فهرست مطالب

[احتمال تأثیر در ارشاد 2](#_Toc496169153)

[بازتاب معکوس اقدام تربیتی 2](#_Toc496169154)

[یقین و احتمال تأثیر معکوس در اقدام ارشادکننده 3](#_Toc496169155)

[احتمال تأثیر، عدم تأثیر و تأثیر معکوس 3](#_Toc496169156)

[تفاوت احتمال تأثیر و احتمال تأثیر معکوس 4](#_Toc496169157)

[تزاحم در ارشاد 4](#_Toc496169158)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل تأثیر در تربیت**

# احتمال تأثیر در ارشاد

آنچه بیان شد، پیرامون این مسئله بود که وقتی فرد می‌خواهد اقدام به فعالیت تربیتی بکند، احتمال تأثیر می‌دهد یا نمی‌دهد؟ هفت حالت بیان شد و جمع‌بندی به این صورت شد که احتمال عقلایی تأثیر را باید بدهد، اگر به‌هیچ‌عنوان احتمال تأثیر نمی‌دهد، قطع به عدم تأثیر دارد، یا اطمینان به عدم تأثیر دارد، تکلیف از او ساقط است، اما در سایر صور تکلیف دارد.

مقوله دیگری در اینجا وجود دارد و آن مقوله این است که گاهی وعظ و عمل تربیتی اثر معکوس دارد و موجب گناه بیشتر می‌شود.

# بازتاب معکوس اقدام تربیتی

اقدام تعلیمی و تربیتی که بازتاب منفی دارد، تکلیف ارشادکننده چیست؟ در اینجا چند مطلب قابل‌طرح است:

مطلب اول این است که اگر کسی در مباحث قبلی و فصل پیشین معتقد شد که امرونهی، یا سایر فعالیت‌های تربیتی به هیچ شرطی مشروط نیست، در همه هفت صورت باید بگوید مشمول تکلیف تربیتی است، یعنی در یقین و اطمینان و ظن معتبر و غیر معتبر و احتمال مساوی و احتمال ضعیف و همچنین اگر یقین به عدم تأثیر دارد هم باید اقدام بکند و تکلیف از او ساقط نیست.

اما اگر فرد یقین دارد که اگر بگوید اثر معکوس دارد، در اینجا حکم عقل وجود دارد که ارشاد را انجام ندهد و اقدام تربیتی تکلیف نیست، به دو دلیل:

1 – عقل به طور واضح این ادله و مطلقات را ازاینجا منصرف می‌داند.

2 – بعضی از ادله در اینجا مصداق ندارد، مثل «**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**»[[1]](#footnote-1)، موضوع در اینجا منتفی است، برای اینکه شخص می‌داند که اگر ارشاد بکند، اثر معکوس می‌گذارد، مفهوماً در اینجا صدق نمی‌کند، چرا که عملی را که انجام می‌دهد، فرض این است که موجب یک ضلالت می‌شود، مشمول ادله دیگر است، ادله دیگر می‌گوید که موجب ضلالت و گمراهی نشوید و امثالهم، لذا این وعظ مصداق این ادله است.

بنابراین در جایی که امر و خطاب و فعالیت‌های تربیتی نتایج معکوسی را دارد، در اینجا خطابات مقید و منصرف است، از طرف دیگر ادله‌ای دیگر وجود دارد که مانع این‌ها می‌شود.

بعضی ادله به ذات یک عمل، فرد را مکلف می‌کند، به طور مثال می‌گوید که فرزندت را از هشت‌سالگی به نماز دعوت بکن، اگر نتیجه معکوس هم بدهد، بازهم شکل عمل در خطاب وجود دارد، در اینجا منصرف است، اما بعضی از ادله مثل «**قُوا أَنْفُسَكُمْ**»، در اینجا مصداق ندارد، مفهومش اینجا صادق نیست، موضوع عوض شده است.

مطلب دیگر این است که صور قطع و اطمینان و ظن و احتمال، در اینجا هم وجود دارد، وقتی گفته می‌شود که تأثیر معکوس می‌گذارد، قطعاً فرد ارشادکننده تکلیفی ندارد.

# یقین و احتمال تأثیر معکوس در اقدام ارشادکننده

گاهی یقین دارد که تأثیر معکوس می‌گذارد، گاهی هم احتمال تأثیر معکوس می‌دهد، در اینجا وجوهی وجود دارد، به طور مثال یک وجه اینکه فقط جایی که یقین دارد که تأثیر معکوس می‌گذارد، تکلیف ندارد، وجوه دیگر اینکه احتمال دارد که فروض میانه‌ای باشد، بعضی نیز می‌گویند ولو «احتمال» تأثیر معکوس داده ‌شود، بازهم شخص اقدام نکند.

اظهر شاید احتمال اخیر باشد، اینکه فرد احتمال تأثیر معکوس می‌دهد، تکلیف از او ساقط است.

تکلیف این است که ارشاد و وعظ، تأثیر ضد نداشته باشد، لذا در اینجا قطع به تأثیر ضد یا اینکه همه صور حتی احتمال تأثیر معکوس را هم در برمی‌گیرد.

# احتمال تأثیر، عدم تأثیر و تأثیر معکوس

اگر فرد احتمال تأثیر و عدم تأثیر و تأثیر معکوس را بدهد، احتمال دارد که در اینجا گفته شود که فرد تکلیف دارد، اما جایی که فرد می‌داند تأثیر ندارد و احتمال تأثیر معکوس هم می‌دهد، در اینجا ظاهراً تکلیف ساقط می‌شود، البته استثنا می‌شود جایی که احتمالات در عرض یکدیگر هستند.

بنابراین اظهر احتمال اخیر با استثنایی که ذکر شد، مگر اینکه احتمال تأثیر و تأثیر معکوس باهم باشد، در اینجا احتمال هست که گفته شود، تکلیف ساقط نیست.

# تفاوت احتمال تأثیر و احتمال تأثیر معکوس

مطلب سوم این است که بحث احتمال تأثیر با بحث احتمال تأثیر معکوس تفاوتی دارد و آن تفاوت این است که بحث سابق که احتمال تأثیر بود، بیان شد که اگر احتمال تأثیر نمی‌دهد، تکلیف تربیتی رفع می‌شود، اما جایی که احتمال تأثیر معکوس می‌دهد، در اینجا دو حکم است:

1 – حکم تعلیم و تربیت رفع می‌شود.

2 – مشمول حکم تحریمی می‌شود، اقدام این فرد حرام می‌شود، برای اینکه موجب اضلال است.

در حکم اول یک واقعیت است و آن ارتفاع تکلیف است، اگر هم فرد اقدام به ارشاد کند، مشمول حکم اباحه است، اما در حکم دوم، چون تأثیر معکوس باقی می‌گذارد، علاوه بر آنکه حکم وجوب و ندب رفع شد، حکم اثباتی است که این کار حرام می‌شود و امکان دارد که در بعضی از موارد مکروه باشد.

# تزاحم در ارشاد

مطلب چهارم در مورد تزاحم است، اینکه فرد یک برنامه تربیتی اجرا می‌کند، هم‌زمان جایی اثر مثبت و درجایی اثر نمی‌گذارد و در جای دیگر اثر معکوس می‌گذارد، در برنامه‌های فراگیر مصادیق زیادی دارد.

1. **- تحریم / 6.** [↑](#footnote-ref-1)